

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سازمان پژوهش و فناوری

به نام خدا مشور اخلاق پژوهش

بیاری از خداوند سبحان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ماد انجمن و اعضاء هیات علمی و واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تعظیف نکنیم:

- ۱- اصل برانست: التزام به برانست جویی از حرکت ز رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلائند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، گروه الهیات

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان :

طبیعت از دیدگاه افلوطین و ابن سینا

استاد راهنما:
دکتر انشاء الله رحمتی

استاد مشاور:
دکتر مهدی نجفی افرا

پژوهشگر:
اکبر آقایی

زمستان ۱۳۹۱

تقدیم به

تقدیم به لنگر زمین و آسمان ، امام انس و جان ، حضرت صاحب الزمان .
و تقدیم به روح پر فتوح امام خمینی (ره) رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران .
و هدیتی کوچک به محضر بزرگانی که در این رساله به تحلیل و بررسی آرائشان پرداخته ام .
خاصه تقدیم به محضر محتشم شیخ رئیس ، حسین بن عبدالله بن علی بن سینا و افلوطین.

تقدیر و سپاس :

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود .

و سپاس فراوان از :

استاد دانشمند و ارجمندم ، جناب آقای دکتر انشاءالله رحمتی که با رهنمود های بی دریغ و ارزنده خود در تمامی مراحل تحقیق این رساله راهگشای اینجانب بوده اند .

استاد فرزانه و ارجمندم ، جناب آقای دکتر مهدی نجفی افرا که در این مسیر مشوق و همراه من بوده اند .

استاد بزرگوار و ارجمندم ، جناب آقای دکتر محمدکاظم جودی که داوری این پایان نامه را به عهده گرفته اند .

مادر و خواهر و برادرانم که اسوه گذشت و فداکاریند و راهنمایی هایشان در طول مسیر زندگی همواره چراغ را هم بوده است .

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب اکبر آقایی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپيوسته به شماره دانشجویی ۸۹۰۶۳۳۷۵۲۰۰ در رشته فلسفه و حکمت اسلامی که در تاریخ ۹۱/۱۱/۸ از پایان نامه خود تحت عنوان طبیعت از دیدگاه افلوطین و ابن سینا با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم :

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه ، کتاب ، مقاله و ...) استفاده نموده ام ، مطابق ضوابط و رویه های موجود ، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام .

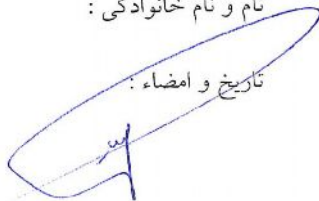
۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح ، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است .

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل ، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب ؛ ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم ، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود ، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت .

نام و نام خانوادگی :

تاریخ و امضاء :



بسمه تعالی

در تاریخ ۹۱/۱۱/۸

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای اکبر آقایی از پایان نامه خود دفاع نموده و

با نمره ۱۷/۷۵ به حروف هفتاد و هفتاد و پنج و با درجه سی و سه مورد تصویب قرار

گرفت.

امضاء استاد راهنما



فهرست مطالب

عنوان صفحه

چکیده ۴

فصل اول : کلیات

۱-۱ بیان مسئله: ۷

۲-۱ هدف های تحقیق ۶

۳-۱ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن ۶

۴-۱ سوالات و فرضیه های تحقیق ۷

۵-۱ مدل تحقیق ۹

۶-۱ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژگان کلیدی ۱۰

۷-۱ روش تحقیق ۱۱

۸-۱ قلمرو و تحقیق ۱۱

۹-۱ محدودیت ها و مشکلات تحقیق ۱۱

فصل دوم : جهان شناسی افلوطین

۱-۲ شرح حال ۱۳

۲-۲ آثار افلوطین ۱۴

۳-۲ احد ۱۵

۴-۲ نظریه فیض ۱۹

۵-۲ عقل ۲۱

۶-۲ روح یا نفس ۲۵

۷-۲ طبیعت ۲۸

فصل سوم : جهان شناسی ابن سینا

۱-۳ شرح حال ۳۰

۲-۳ آثار ابن سینا ۳۱

۳۲	۳-۳ واجب الوجود
۳۴	۴-۳ نظریه فیض یا صدور
۳۵	۵-۳ عقل
۳۸	۶-۳ افلاک (روح یا نفس)
۴۰	۷-۳ طبیعت
فصل چهارم : طبیعت شناسی افلوطین	
۴۳	۱-۴ طبیعت
۴۸	۲-۴ جسم
۵۰	۳-۴ ماده و صورت
۵۲	۴-۴ زمان
۵۵	۵-۴ قوه و فعل
۵۷	۶-۴ حرکت
۶۱	۷-۴ مکان
فصل پنجم : طبیعت شناسی ابن سینا	
۶۵	۱-۵ طبیعت
۷۳	۲-۵ جسم
۷۵	۳-۵ ماده و صورت
۷۷	۴-۵ زمان
۸۱	۵-۵ قوه و فعل
۸۳	۶-۵ حرکت
۸۷	۷-۵ مکان
فصل ششم : مقایسه و تطبیق نظرات دو فیلسوف	
۹۱	۱-۶ فیض (صدور)
۹۲	۲-۶ طبیعت
۹۴	۳-۶ جسم
۹۵	۴-۶ ماده و صورت

۹۷ ۵-۶ زمان
۹۹ ۶-۶ حرکت
۱۰۲ ۷-۶ مکان
۱۰۴ ۸-۶ اثر پذیری ابن سینا از فلسفه افلوطین
۱۰۹ ۹-۶ جمع بندی نظرات دو فیلسوف
۱۱۲ منابع و ماخذ
۱۵۰ چکیده انگلیسی

چکیده

در این رساله ضمن بیان نظرات افلوپین و ابن سینا درباره ی طبیعت و اصول آن ، مقایسه و تطبیق آثار و آراء آنها در این موضوع صورت گرفته است. افلوپین همانند افلاطون اشراقی است و یک فیلسوف ماوراء الطبیعی و متافیزیکی است . در باب طبیعت ، جسم ، ماده و صورت ، زمان ، حرکت و مکان راه افلاطون را رفته است . وی هر چند خود را شارح افلاطون می داند . ولی در حلقه تدریس او و دیگر نو افلاطونیان ، کتابهای ارسطو نیز شرح و تدریس می شده است . و در خصوص طبیعت قائل است که طبیعت با عالم محسوس یا مادی یکی نیست ، (ماده یا عنصر مقوم ذات طبیعت نیست) .

ابن سینا هم همانند ارسطو مشایی است و یک فیلسوف طبیعی و فیزیکی است . در باب طبیعت ، جسم ، ماده و صورت ، زمان ، حرکت و مکان راه ارسطو را رفته است . وی هر چند خود را شارح ارسطو می داند. ولی در حلقه تدریس او ، کتاب های افلاطون نیز شرح و تدریس می شده است . و در خصوص طبیعت قائل است که طبیعت و عالم محسوس (عنصر کل) مکمل یکدیگرند ، (ماده یا عنصر مقوم ذات طبیعت است) .

لازم به ذکر است که اشتراک افلوپین و ابن سینا در یکی بودن معنی وجود و بیان وحدت هستی است. (هستی در عین اینکه یکی است متکثر است و بازگشتش به واجب الوجود یا احد است) . و همچنین به فیض (صدور) در سلسله مراتب هستی معتقد می باشند و عالم هستی را افاضه شده از عالم بالا می دانند .

واژگان کلیدی : سلسله مراتب هستی ، فیض ، طبیعت ، افلوپین ، ابن سینا .

فصل اول :

کلیات

۱- بیان مسئله:

بررسی نظریات افلوپین در مورد طبیعت و مقایسه کردن این بررسی هابانظریات ابن سینا در مورد طبیعت و اصول آن می باشد. این پایان نامه شامل شش فصل می باشد: در فصل اول به کلیات پرداخته شده و در فصل دوم به جهان شناسی افلوپین و در فصل سوم به جهان شناسی ابن سینا و در فصل چهارم طبیعت شناسی افلوپین و در فصل پنجم به طبیعت شناسی ابن سینا پرداخته شده است و نهایتاً فصل ششم مقایسه نظرات این دو فیلسوف می باشد. امید است شبیه از شبیهاتی که در ذهن خوانندگان در مورد مسئله طبیعت است با خواندن این نوشتار پاره ای از این شبیهات بر طرف گردد.

۱-۲ هدف های تحقیق

هدف اصلی و محوری پایان نامه که سعی در رسیدن به آن دارد، همان تبیین مسئله طبیعت از نظر افلوپین و ابن سینا می باشد. این تحقیق تلاشی است در جهت جمع بندی و بررسی دیدگاه های مختلف در مکاتب، فلسفه الهی یعنی حکمت مشاء (ابن سینا) و حکمت اشراق (افلوپین) که در این راستا ضمن ارائه دیدگاهها و نظرات مختلف در باب طبیعت، بطور خاص به بحث و بررسی در مورد نقطه نظرات افلوپین و ابن سینا و داوری بین آنها پرداخته شده است.

۱-۳ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن

دلیل انتخاب افلوپین و ابن سینا برای بررسی تطبیقی حاضر پیرامون مبحث طبیعت و اصول و مواد آن، غیر از عمق و غنای فلسفی هر دو متفکر جایگاه تاریخی خاص آن دو نیز هست، هر دو فیلسوف چه در جنبه تاریخی چه در بعد فرهنگی در واقع بر شاه راهی واقع شده اند که محل تلاقی اندیشه ها و مکاتب مختلف بوده است. آن هم در زمانی که احساس احتیاج به تالیف و جمع بندی و هضم آن مکاتب، روش ها و اندیشه ها در یک کل به هم پیوسته و نظامدار بر کل متفکران شدیداً غلبه داشته است.

اگر یکی از وجوه مشخصه تکامل فلسفه و نظام های فلسفی را، اخذ وجوه مثبت و سازگار نظام های سابق و جرح و تعدیل نظام های رقیب و پرداخت نظامی مستدل که رخنه های استدلالی و منطقی فلسفه های قبلی را پر کرده است، به علاوه بتواند بین وجوه گوناگون دستگاه های ادراکی بشر الفت و هماهنگی برقرار کند، بدانیم بدین لحاظ به نظر نگارنده هر یک از نظام های فلسفی دو فیلسوف مورد بحث مرحله ای تکاملی بلکه نقطه عطفی، نسبت به نظام های فکری و فلسفی پیش از خود بوده اند، نه صرفاً بدان جهت که پس از آن ها مطرح شده و از آن ها استفاده کرده اند بلکه از آن جهت که در عین استفاده از وجوه مثبت آن ها، خود طرحی نوع در افکنده اند، آن هم با تکیه بر این اصل

معرفت شناختی که عقل و نفس از راه های شناخت حقیقت است . و در کنار عقل و نفس، ابزارهایی همچون قلب به شیوه الهام علم حضوری یا وحی از طریق فهم نصوص دینی نیز واجد اهمیت اند ، و به عنوان منبع شناخت، معتبر. افلوطین هر چند خود را شارح افلاطون دانسته و در حلقه تدریس او و دیگر نو افلاطونیان، کتاب های ارسطو نیز شرح و تدریس می شده، این سینهام هر چند خود را شارح ارسطو دانسته در حلقه تدریس وی و شاگردانش کتاب های افلاطون نیز شرح و تدریس می شده با این وجود ، نظام فلسفی آن دو چیزی بیش از جمع و تالیف دو نظام فلسفی افلاطونی و ارسطویی یا شرحی بر آن هاست در این تحقیق انگیزه انتخاب من این بود که در یک فلسفه الهی طبیعت چه جایگاهی می تواند داشته باشد و آیا طبیعت با مافوق طبیعت قابل جمع است یا نه.

۱- ۴ سوالات و فرضیه های تحقیق

- ۱- تعریف طبیعت در فلسفه افلوطین و ابن سینا چه می باشد؟
- ۲- طبیعت از منظر ابن دوفیلسوف چگونه پدید آمده است؟
- ۳- افلوطین و ابن سینا چه نگرشی نسبت به طبیعت دارند؟
- ۴- مبحث طبیعت در فلسفه افلوطین و ابن سینا چه شباهت ها و تفاوت های با هم دارند؟

فرضیه ها

۱. طبیعت از نظر افلوپین فعالیتی است از نفس در نباتات و زمین که از نظریه زنده است. و در نظر ابن سینا طبیعت به عنوان صورت بسائط و به عنوان آنچه جوهر هر چیز از آن ساخته می شود و همچنین طبیعت را به عنوان اصل حافظ نظام جهان می داند.

۲. از منظر افلوپین: سلسله موجودات از وجود مطلق یا احد صادر شده و افاضه یافته است. عقل اولین صادر از خداوند است که از فیضان احدیاجاد می شود. عقل به احد رو می کند و از برکت نظر بر اصل خویش صدف تهی او پر می شود، نفس را پدید می آورد. نفس نیز به عقل رو می کند و از برکت نظر بر اصل خویش صدف تهی او پر می شود و بر اثر حرکتی نزولی پیکر خود را که طبیعت است می آفریند.

از منظر ابن سینا: سلسله موجودات از خداوند صادر شده و افاضه یافته است. عقل اول که اولین فیض مبدأ است ممکن بالذات است ولی از علت العلل وجوب یافته است و بنابراین واجب بالغیر است. لکن چون در ذات خود ممکن است عقل مصدر عالم کثرت است. با تعقل ذات باری عقل اول عقل دوم را افاضه می کند و با تعقل ذات خود نفس اول و فلک اول را.

عقل اول در واقع دارای ۳ نوع علم است. (۱) علم به ذات واجب الوجود (۲) علم به ذات خود به عنوان واجب بالغیر (۳) علم به ذات خود به عنوان ممکن بالذات. و این سه نوع تعقل به نحو الاقدم فالاقدم علت ایجاد عقل دوم و نفس اول و فلک اول است. عقل دوم به نوبه خود با تعقل سه گانه عقل سوم و نفس دوم و فلک دوم را ایجاد می کند و به این وسیله مراتب عقول و نفوس و فلک تکوین می یابد که با عقل دهم که واهب الصور و مدبر عالم کون و فساد است خاتمه می پذیرد. بنابراین کل فرآیند هستی از طریق توالی فیض ها تداوم پیدا می کند تا اینکه به عقل دهم یا فعال می رسد، فعلیت تعقل عقل فعال، فاقد نیروی کافی برای تولید تثلیث دیگر (عقل - نفس و جسم فلک) می گردد. ولی نفوس انسانی را تدبیر می کند و در عین حال منشأ ماده ی اولی می گردد. بنابراین عقل فعال طبیعت را پدید آورده است.

۳. افلوپین اشراقی است و طبیعت را افلاطونی نگاه می کند و نگرش دو وجهی (مثبت و منفی) به طبیعت دارد.

ابن سینا مشایی است و طبیعت را ارسطویی نگاه می کند و نگرش مثبت به طبیعت دارد.

۴. تشابه: هر دو فیلسوف به نظریه فیض (صدر) معتقدند و عالم طبیعت را افاضه شده از عالم بالا می دانند. هر دو پذیرش عالم ماده یا طبیعت را به عنوان پایان سلسله مراتب هستی می دانند،

از نظر هر دو فیلسوف عالم طبیعت با وجود تغییر و دگرگونی هایی که در آن ها رخ می دهد یک وجود ازلی و ابدی دارد.

تفاوت: طبیعت از نظر افلوطین با عالم محسوس یا مادی یکی نیست، (ماده یا عنصر مقوم ذات طبیعت نیست) اما در نظر ابن سینا طبیعت و عنصر کل (عالم محسوس) مکمل یکدیگرند، (ماده یا عنصر مقوم ذات طبیعت است).

افلوطین همانند افلاطون تبیین طبیعت و اصول آنرا بحثی ما بعد الطبیعی و متافیزیکی و از مباحث فلسفی محض دانسته است و تلاش کرد طبیعت و اصول آنرا در ارتباط با مثل و تقلید یا بهره وری از ایده ها بررسی کند .

اما ابن سینا همانند ارسطو تبیین طبیعت و اصول آنرا جزء بحث های طبیعی و فیزیکی دانسته و با بررسی ویژگی های محسوس به تبیین ماهیت آنها پرداخته است : وی معتقد است که برای تبیین امور طبیعی نباید دست به دامن امور ما بعد الطبیعی شد .

۱-۵ مدل تحقیق

مدل تحقیق به صورت کتابخانه ای می باشد.

۱-۶ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژگان کلیدی

طبیعت

از نظر افلوطین: طبیعت فعالیتی است از نفس در نباتات و زمین که از نظری زنده است.
از نظر ابن سینا: طبیعت را به عنوان صورت بسائط، جوهر هر چیز، اصل حافظ نظام جهان می داند.

جسم

از نظر افلوطین: جسم آخرین و ضعیف ترین پرتو ذات احدیت، صورتی است مستقیم در ماده .

از نظر ابن سینا : جسم جوهر طویل عریض عمیق می باشد.

از نظر افلوطین: ماده چیزی غیر قابل لمس است.

از نظر ابن سینا: ماده جوهری است که فاقد هرگونه فعلیت است.

صورت

از نظر افلوطین: صورت جنبه وجودی جسم است.

از نظر ابن سینا: صورت ماهیتی است که جسم به واسطه او چیزی است که هست.

حرکت

از نظر افلوطین: حرکت راهی است از قوه ای به آن چه محتوای آن قوه است.

از نظر ابن سینا:

- ۱) حرکت صیروت شی است از قوه به فعل در زمان به طور تدریجی نه دفعی.
- ۲) حرکت کمال اول است برای آنچه بالقوه است از جهت اینکه بالقوه است .
- ۳) حرکت تغییر تدریجی حالت فار جسم است که رو به سوی غایتی داشته و طالب وصول آن باشد . خواه غایت بالقوه یا بالفعل باشد .

زمان

از نظر افلوطین: زمان را امتداد و استمرار زندگی نفس دانسته است . زمان را امری مستقل از حرکت می داند.

از نظر ابن سینا: زمان مقدار حرکت است. نه به جهت مسافت ، بلکه به جهت تقدم و تأخري که با هم اجتماع پیدا نمی کند . زمان را مقدار حرکت فلک اقصی شمرده است . زمان مقدار حرکت عرضی اجسام است .

مکان

از نظر افلوطین: مکان مرز جهان محیط بر ماست و از خصوصیات این عالم جسمانی است . هر جسمی دارای مکانی است ؛ به این معنا که چیزی بر آن احاطه دارد .

از نظر ابن سینا: مکان نه هیولی و نه صورت و نه بعد است ، بلکه عبارت است از سطح و آن هم نه هر سطحی ، بلکه سطح درونی جسم حاوی مماس با سطح بیرونی جسم محوی .

۱-۷ روش تحقیق

روش کلی تحقیق، روش کتابخانه ای بوده و بر اساس رجوع به کتب و منابع اصلی و همچنین فیش برداری و یادداشت ها و جمع بندی و نگارش و تحقیق می باشد.

۱-۸ قلمرو و تحقیق

تحقیق پیرامون مسئله طبیعت است که در آن نظرات افلوطین و ابن سینا مورد بررسی قرار می گیرد تا اینکه معلوم گردد این دو فیلسوف چه دیدگاهی نسبت به طبیعت دارند و طبیعت را کدام مرتبه عالم می دانند.

۱-۹ محدودیت ها و مشکلات تحقیق

محدودیت ها و مشکلاتی که بنده در این تحقیق داشته ام این بود که هر چند در حوزه ی متافیزیک افلوطین و ابن سینا پایان نامه ها و مقالات بیشتری کار شده بود اما در حوزه ی فیزیکشان مقالات و رساله های زیادی کار نشده بود تا در نوشتن پایان نامه به من کمک برساند.

فصل دوم:

جهان شناسی افلوطین

در این فصل به تحلیل و بررسی سلسله مراتب هستی در نظام فلسفی افلوپین می پردازیم اما قبل از پرداختن به این مطالب اصلی، اجمالی از زندگی و آثار وی می پردازیم.

۱-۲- شرح حال

« در میان فلاسفه یونان، فلوطین یا افلوپین یا پلوتینوس از جمله کسانی هست که شرح احوال و پاره‌ای از سوانح حیات وی کم و بیش بر ما معلوم است و درباره افلوپین این علم را ما مدیون تذکره‌ای هستیم که شاگرد او فروریوس صوری تحت عنوان زندگانی افلوپین در سال ۳۰۱ میلادی در حدود سی سال پس از فوت استاد خود نوشته و آنرا مقدمه آثار او قرار داده است. » (پورجوادی، ۱۳۷۸، ۲-۱)

با آنکه این اثر در مورد افلوپین بسیار مفید بود و گاهی نویسنده آن در ترسیم سیمای استاد خود و ذکر عادات و خلق و خوی او دقت نشان داد. مطالبی که در آن ذکر شده است بیشتر مربوط به دوران پختگی عمر افلوپین است، نه اوایل آن، این نقصان ناشی از آن است که او لا افلوپین از سخن گفتن درباره خود ابا داشته چنانکه فروریوس می‌نویسد او هرگز به کسی چیزی درباره ماه یا روز تولد خود نگفت چون نمی‌خواست برایش قربانی کنند یا جشن بگیرند هر چند که خود در روزهای تولد افلاطون و سقراط قربانی می‌کرد و از دوستان پذیرایی می‌نمود. ثانیاً فروریوس وقتی با افلوپین آشنا شد که هفت سال بیشتر به پایان عمر او نمانده بود مع الوصف یک مطلب هست که به شناخت سال ولادت او کمک می‌کند.

افلوپین بنا به گفته فروریوس، در بستر مرگ به پزشک خود ائوستوخیوس که از دوستان نزدیکش بود گفته بود که در آن هنگام ۶۶ سال از عمر او گذشته بوده است. وفات او به سال ۲۷۰ میلادی اتفاق افتاد، پس تولد او در اواخر سال ۲۰۴ یا اوایل سال ۲۰۵ بوده است. پاره‌ای از مورخان معتقدند که وی در شهر لوکوپولیس (شهری که امروز اسیوط نامیده می‌شود) در مصر علیا چشم به جهان گشود.

هر چند که بنا به گفته بعضی از محققان نام او (پلوتینوس) لاتینی بود زبانش یونانی و بر طبق فرهنگ یونانی تحصیل کرده و تربیت یافته بود. درباره حوادث دوران کودکی افلوپین، فروریوس فقط یک واقعه ذکر می‌کند و آن اینکه روزی کسی سرزنشش کرد و شرمسار شد و دست از او برداشت که از دایه‌اش شیر طلب کند، تا آنکه روزی کسی سرزنشش کرد و شرمسار شد و دست از این کار کشید و در ۲۷ سالگی به فلسفه تمایل یافت و از طریق یکی از دوستانش به پیش آمونیوس رفت. در محضر استادش چنان در فلسفه پیش رفت که مایل شد با فلسفه هندی و ایرانی آشنا شود. چون امپراطور گردیانوس می‌خواست به ایران لشکر بکشد افلوپین همراه سپاه او رفت. در این هنگام ۳۹ ساله بود، وی ۱۱ سال در حلقه درس آمونیوس مقیم مانده بود.